

میراث فراموش شده‌ی مسیحی در ایران

هلین مور- فان دن برگ

ایران از دیرباز مأوای جمعیت چشمگیری از مسیحیان ارمنی بوده، اما بناهای مذهبی زیادی از آنان به جا نمانده است. یک استاد «مطالعات مسیحیت شرقی» از کشور هلند، در سفری که اخیراً به ایران داشته، به دیدن بعضی از این بناها رفته است.

اغلب گردشگرانی که به ایران می‌روند، و حتی اغلب ایرانیان، نمی‌دانند که این کشور جایگاه چه میراث سرشاری از اماکن مسیحی است. این کلیساها و گورستان‌ها، جز در چند مورد استثنایی قابل ذکر، تاکنون جلب توجه چندانی نکرده‌اند و بیشتر آن‌ها در مسیرهای متعارف گردشگری جایی ندارند. کلیساهای آشوری و ارمنی در سرتاسر ایران گواه تاریخ پیچیده و پرتنوع مسیحیت در ایران اند، اما بسیاری از این کلیساها در وضعیت بدی قرار دارند، و مسیحیانی که می‌خواهند به حفظ و نگاه‌داری آن‌ها پردازند امکاناتی برای کسب وجوه لازم ندارند.

در میان این موارد استثنایی، چند کلیسای ارمنی و دیر و صومعه در شمال غربی ایران وجود دارد که در سال ۲۰۰۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفته‌اند: کلیسای کارا کلیسی یا قدیس تادئوس در نزدیکی چالدران، کلیسای قدیس استپانوس در نزدیکی جلفا، و کلیسای زور زور (یا کلیسای مریم مقدس) در کنار رود زنگمار (واقع در کنار سد بارون در ۱۳ کیلومتری ماکو در روستای بارون). وضعیت این اماکن، با آن که انتظار رسیدگی بیش از این می‌رود، با توجه به تعمیرات ضروری و مرمت‌های اساسی بیشتری که در حال حاضر در دست اجرا است، به طور کلی خوب است. بنیاد این کلیساها اغلب در سده‌های میانه گذاشته شده است، و این بناها در سرتاسر این سده‌ها گواه صادقی بر فرهنگ مذهبی ارمنی بوده‌اند. این کلیساها تا به امروز جزئی از دورنمای مذهبی ارمنی اند، با گردشگرانی که نه فقط برای تحسین تندیس‌ها و هماهنگی‌های معماری این مجموعه بناها می‌آیند، که همچنین برای گرامی‌داشت اماکنی می‌آیند که در حکم شاهدان سنت مذهبی ارمنی و سرچشمه‌های برکت و مواهب دینی اند.

بی‌شک، مشهورترین مکان مذهبی ارمنی‌ها مجموعه بناهای کلیسای جامع وانک در جلفای نو در اصفهان است، که درهای آن به روی همه‌ی گردشگران باز است، و بخشی از مجتمع و موزه‌ی ارمنی‌ها را تشکیل می‌دهد. معماری داخلی تماشایی آن، با ترکیب شگفت‌انگیزی از سبک‌های شرقی و غربی، سرامیک‌ها و تابلوهای رنگ و روغن، بیشتر به وسیله‌ی هنرمندان محلی ارمنی در نیمه‌ی دوم سده‌ی هفدهم میلادی، با الهام از اصول زیبایی‌شناسی محلی، منطقه‌ای، و اروپایی، به مقیاس وسیع، طراحی و اجرا شده است. این مجموعه بناها، همچون بناهای مشابه آن در

شمال ایران، کم‌وبیش مورد رسیدگی قرار می‌گیرند و در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به هر روی، اکثر کلیساهای ارمنی در سرتاسر ایران می‌کوشند تا به هر زحمتی که هست دخل و خرج‌شان با هم بخواند و سر پا باشند. در طول قرن بیستم و قرن حاضر، جوامع سنتی مسیحی رفته رفته به سبب مهاجرت رو به کاستی نهادند، و پس از انقلاب اسلامی ایران آهنگ این تقلیل جمعیت در آن‌ها فزونی گرفت. جوامع ارمنی همچنان در بیشتر شهرهای بزرگ ایران، با مراکز پرجنب‌وجوشی در تهران و اصفهان، حضور دارند، اما حفظ و نگه‌داری کلیساهای تاریخی‌شان دشوار است، بیشتر به این دلیل که مقررات سختگیرانه‌ای وجود دارد که باعث شده است تا کمک و مشارکت چشمگیر مهاجران خارج از کشور امری نزدیک به محال شود.

کلیساهای آشوریان در آذربایجان شاهدان فروتنی بر تاریخ طولانی حضور مسیحیان در این منطقه اند. در حالی که تعدادی کلیسای بزرگ‌تر و مدرن‌تر آشوری و کلدانی در تهران و اصفهان وجود دارند که بیشتر در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بنا شده‌اند، کلیساهای قدیمی‌تر آشوری در منطقه‌ی ارومیه بر تاریخ طولانی حضور کلیسا در ایران گواهی می‌دهند، هرچند که کلیساهای مرکز ایران (که ما آن‌ها را از روی منابع مکتوب می‌شناسیم) همه نابود شده‌اند. در مورد بیشتر کلیساها تعیین تاریخ دقیق بنای آن‌ها غیرممکن است، اما احتمال دارد بنای آن‌ها به سده‌های دوازده و سیزده میلادی برگردد، و شاید قدمت آن‌ها از این هم بیشتر باشد. اغلب این کلیساها فاقد وقف‌نامه اند - اگر هم داشته باشند، معمولاً مربوط به بازسازی آن‌هاست نه تأسیس و بنای آن‌ها. در طول قرن‌ها، دست و پای کلیسای آشوری شرق در استفاده از شمایل قدیسان در کلیسا بسته شد (تا حدی که گاه اصلاً از شمایل استفاده نمی‌شد)، و فضای داخلی این کلیساها معمولاً از این حیث ساده و بی‌تکلف است. امروزه دیگر قاعدتاً از این مکان‌ها برای عبادت استفاده نمی‌شود، اما به کمک نگهبانان محلی، که بیشتر از خانواده‌های گُرد و گاه از آخرین خانواده‌های بازمانده‌ی مسیحی روستا هستند، درهای کلیساها برای بازدید عموم باز می‌شود، و تا حد امکان به خوبی از آن‌ها نگه‌داری می‌کنند. گورستان‌ها و گاه سنگ گورهای محوطه‌ی کلیساها، با این همه شاهدان گویایی از تاریخ کلیساهای آشوری، کلدانی، و ارمنی در این منطقه اند.

هلین مور - فان دن برگ مدیر «انستیتوی مطالعات مسیحیت شرقی» در هلند است. آنچه خواندید برگردان این نوشته‌ی او است:

Heleen Murre-van den Berg, '[Iran's Mostly Forgotten Christian Heritage](#),' *Globalization, Christianity, and the Middle East*, 2 January 2017.